

# نقش آموزش و پرورش در هویت‌دهی مناسب

هاجر تاجیک

اشاره  
مطلب حاضر بخشی از مقاله مفصلی  
است که به قلم نویسنده محترم به رشته تحریر  
درآمده است. نظر به ارتباط موضوعی  
امیدواریم برای خوانندگان گرامی قابل استفاده  
باشد.

براساس نظریه‌ی «اریکسون» اگر اوضاع فرهنگی به نوجوان کمک کند، او می‌تواند در طی زمان و براساس تجربیات حاصل از برخورد صحیح اجتماعی، هویت شخصی خود را بشناسد و خود را از دیگران متمایز سازد در نتیجه تعادل روانی وی تضمین می‌شود. در این صورت فردی می‌شود با هویت مثبت که در اهداف بلند مدت، انتخاب شغل، الگوهای رفاقت، رفتار و تمایل جنسی، تشخیص مذهبی، پذیرش نظام ارزش‌های اخلاقی و تعهد گروهی، بدون تردید عمل می‌کند.<sup>۱</sup>

با توجه به این که بخش مهمی از هویت افراد در مراکز آموزشی شکل می‌گیرد، اگر نهادهای آموزشی و کانون‌های تربیتی، وظیفه‌ی خود را در قبال شخصیت و هویت دهی مناسب به این افراد با شایستگی انجام ندهند، نتیجه‌ای جز وابستگی، بی‌هویتی، احساس حقارت در برابر بیگانگان و خودباختگی نخواهد داشت. امام خمینی (ره) با اشاره به نظام آموزشی زمان رژیم پهلوی می‌گوید: «از بچگی ما را طوری تربیت کردند که خیال می‌کردیم خودمان هویت نداریم و باید وابسته به اروپا و غرب باشیم. این

**در گذشته که الگوها و نقش‌ها اندک و محدود بودند، هویت یابی آسان بود، اما امروزه الگوهای متنوع و متضادی که رسانه‌های متعدد ارائه می‌دهند، فرا روی نسل جوان و نوجوان قرار دارد و از این رو، هویت یابی آنان با دشواری‌های بسیاری مواجه شده است**

بچه‌ی کوچک تا آخر، تمام تعالیم و تربیتش، تعلیم و تربیت فرهنگ خارجی بوده. فرهنگ از خودمان نبوده است. تعلیم و تربیت وابستگی بوده، مغزهای این بچه‌های ما را از کوچکی، وابسته تربیت کرده‌اند تا رسیده‌اند به جوانان که حالا می‌بینید که همین جوانان نمی‌توانند تفکر کنند که ما خودمان آدمیم. می‌گویند: حتماً باید یا وابسته به مثلاً فلان مملکت باشیم یا وابسته به فلان مملکت.<sup>۲</sup>

خوشبختانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با تغییراتی که در سیاست‌گذاری نظام آموزشی اعمال شد - هرچند نارسایی‌هایی وجود دارد - دانش‌آموزان ایرانی توانسته‌اند با اعتماد به نفس و احراز هویت، در المپیادهای مختلف به موفقیت‌های بزرگی نائل گردند و در عرصه‌ی

علم و صنعت و تکنولوژی از خود ابتکار و خلاقیت نشان دهند. اما با توجه به گسترش فناوری ماهواره‌ای و پیشرفت رسانه‌ای و فراهم شدن زمینه‌ی تبادل فرهنگی در دهکده‌ی جهانی، تجربه‌ی چندین ساله معلوم می‌کند که این «مولود عصر ارتباطات»، دو رویکرد متمایز دارد، یعنی «هویت یابی» یا «بحران هویت»؛ لذا معلمان باید توجه نمایند که تغییرات و تحولات عصر جدید و جهانی شدن رسانه‌ها، هویت ملی و فرهنگی ما با چالش جدیدی مواجه شده است.

پاستر می‌گوید: «آنچه در فناوری‌های عصر دوم رسانه‌ها، یعنی عصر اینترنت، پست الکترونیکی و ماهواره، مهم است، دگرگونی گسترده‌ی فرهنگ، هویت فرهنگی و روش جدید ساخته شدن هویت هاست.»<sup>۳</sup>

آلویس تافلر، نویسنده و منتقد اجتماعی می‌نویسد: «تکنولوژی ماهواره‌ای و دیگر رسانه‌های جدید، فرهنگ ملی را از هم می‌پاشند.»<sup>۴</sup> در گذشته که الگوها و نقش‌ها اندک و محدود بودند، هویت یابی آسان بود، اما امروزه الگوهای متنوع و متضادی که رسانه‌های متعدد ارائه می‌دهند، فرا روی نسل جوان و نوجوان قرار دارد و از این رو، هویت یابی آنان با دشواری‌های بسیاری مواجه شده است. زمینه‌های موجود باعث شده تا جوانان و نوجوانان با ناهنجاری‌ها و رفتارهای متضاد با ارزش‌های جامعه‌ی خویش رو آورند.

جوانی که می‌کوشد طبق مد روز یا به تعبیر رایج، «باکلاس» زندگی کند، هیچ‌گاه هویت خویش را باز نخواهد یافت؛ زیرا یکی از نشانه‌های هویت و شخصیت سالم، ثبات است. آلن راس، روان‌شناس سرشناس شخصیت، می‌نویسد: «غیرمنطقی است اگر بخواهیم از شخصیت کسی صحبت کنیم که رفتارها، آگاهی‌ها، هیجان‌ها و انگیزه‌هایش برای مدت طولانی و از مکانی به مکان دیگر تغییر می‌کند و ثابت باقی نمی‌ماند.»<sup>۵</sup> البته رسانه‌های داخلی نیز ممکن است خواسته یا نخواستہ، در فرایند هویت یابی تأثیر منفی بگذارند. به همین دلیل، نقش آموزش و پرورش و نگاه مثبت معلم و برنامه‌ریزی دقیق برای برخورد واقعی، جذاب و متنوع ضروری‌تر از هر عصر دیگر است.

#### شیوه‌های تقویت خودباوری

- تبادل فرهنگ‌ها همراه با خودباوری فرهنگی

امروزه استعداد ایرانی، زبانزد خاص و عام است. نخست

وزیر کانادا چند سال پیش اعلام کرد: «کشور ایران ۳۵۰۰۰ متخصص در کانادا دارد که اگر آن‌ها بروند با میلیاردها دلار هم نمی‌توان جای آن‌ها را پر کرد.»<sup>۶</sup>

جوانان ما با خودباوری و شناخت فرهنگ غنی و پر افتخار، با حفظ گوهر وجودی و گوهر ذاتی و ارکان اصلی هویت و شخصیت مستقل خویش، برای بهتر شدن و کمال یافتن فرهنگ

**با توجه به این که بخش مهمی از هویت افراد در مراکز آموزشی شکل می‌گیرد، اگر نهادهای آموزشی و کانون‌های تربیتی، وظیفه‌ی خود را در قبال شخصیت و هویت‌دهی مناسب به این افراد با شایستگی انجام ندهند، نتیجه‌ای جز وابستگی، بی‌هویتی، احساس حقارت در برابر بیگانگان و خودباختگی نخواهد داشت**

خودی باید از تجربیات سودمند جوامع و ملل مختلف که عصاره‌ی قرن‌ها تلاش آن‌هاست استفاده کنند.

البته این گزینش آگاهانه‌ی عناصر مفید و اجتناب از رویکردهای منفی و مضر آن‌ها تحت تأثیر دقت و هوشیاری عوامل تربیتی آن‌ها، خصوصاً آموزش و پرورش است. اگر معلمان بتوانند رویکرد نسل جوان را به فرهنگ غرب با نقد و ارزیابی همراه نمایند، با هویت ملی آن‌ها تعارضی نخواهد داشت. این، نوعی تبادل فرهنگ‌ها محسوب می‌شود.

- بازشناسی فرهنگ غرب: یکی از شیوه‌های تقویت خودباوری فرهنگی و بازگشت به خویش، معرفی نمادهایی از فرهنگ رقیب است. این امر، انگیزه‌ی حفظ هویت فرهنگی و ملی را مضاعف می‌سازد. شناخت هویت ملی در گرو درک صحیح معارضات این هویت، از جمله پایگاه غرب است. پیشرفت علم و تکنولوژی در دوره‌های اخیر، این باور را در بین عده‌ای از مردم به ویژه نسل جوان به وجود آورده که غربی‌ها از نظر فرهنگ نیز برتری دارند. این غرب باوری قطعاً مبتنی بر شناخت اصولی و جامع آن‌ها نبوده، بلکه حاصل تقلید شتابزده از ظواهر فرهنگ بیگانه و گم کردن هویت فرهنگی خویش است.

هانتینگتون معتقد است: «پروزی غرب بر جهان، ناشی از برتری اندیشه‌ها، ارزش‌ها یا دین نبود، بلکه معلول برتری غرب در استفاده از خشونت سازمان یافته بود.»<sup>۷</sup> فرهنگ برتر دارای

ویژگی‌هایی همچون پیشینه، پشتوانه، آثار مکتوب و غیرمکتوب، مانند کتابخانه‌ها، موارث فکری، هنری و ادبی، شخصیت‌های علمی و فرهنگی و قدمت مراکز علمی و پژوهشی است. بازشناسی فرهنگ غرب با مؤلفه‌های فوق، کار سختی نیست. اروپا و غرب که اندیشه‌ی آزادی و راه پیشرفت در علم و صنعت را از اسلام و مسلمین آموخت، امروز خود را طلایه‌دار تمدن در جهان می‌داند و همگان را به اقتباس از آن فرا می‌خواند.

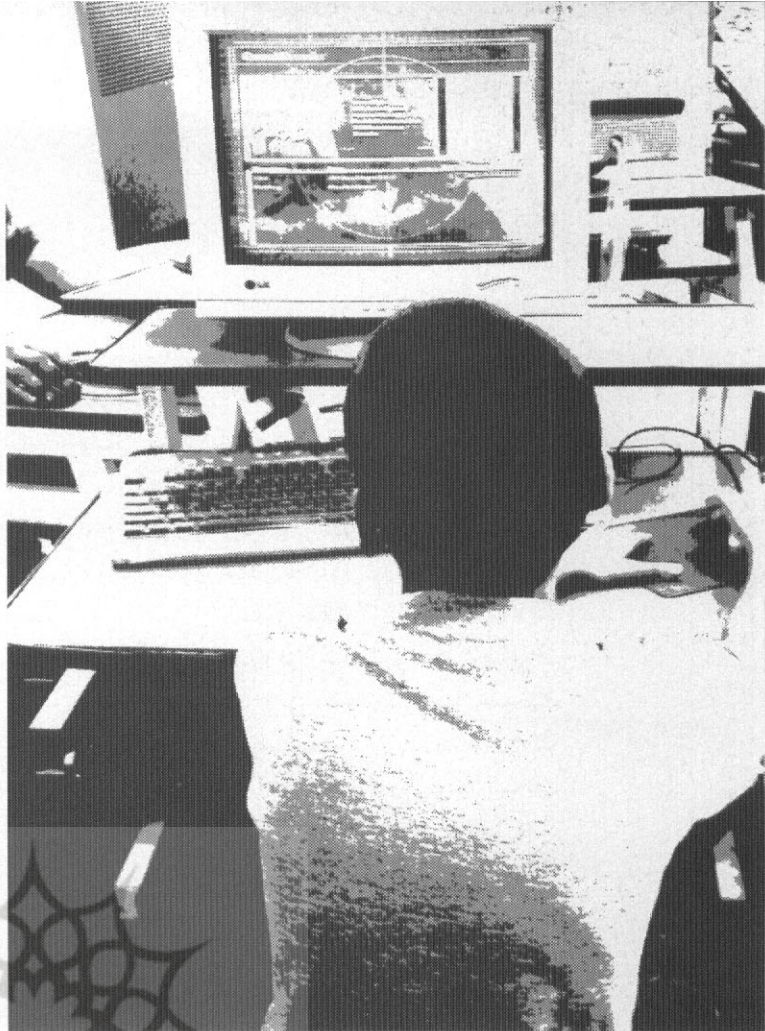
در قرون وسطا که نزدیک به هزار سال طول کشید. و برخی آن را از دوران ظلمت خوانده‌اند، عامل عمده‌ای که به جهان مسیحیت مدد علمی و فکری رسانید، فرهنگ اسلامی بود و تمدن نیز که پدید آمد تا حد زیادی متأثر از اسلام و داده‌های آن بود.<sup>۸</sup> البته باید اذعان کرد که مسلمانان با آن سابقه‌ی درخشان، به دلیل خود باختگی و گم کردن هویت خود، در میدان رقابت بازماندند، اما در عین حال توجه به این نکته ضروری است که هرگونه پیشرفت علمی، فنی، صنعتی و فناوری لزوماً موجب پیشرفت فرهنگی و معنوی نیست.

بحران معنویت و اخلاق در جوامع پیشرفته، افزایش ناهنجاری‌ها مانند قتل، جنایت و خشونت، شیوع فساد و بی‌بند

**هانتینگتون معتقد است: «پروزی غرب بر جهان، ناشی از برتری اندیشه‌ها، ارزش‌ها یا دین نبود، بلکه معلول برتری غرب در استفاده از خشونت سازمان یافته بود**

و باری، آمار رو به تزاید مبتلایان به ایدز، افزایش نرخ طلاق و فرزندان نامشروع... نمودهایی از سقوط اخلاقی غرب است. بنابراین لازم است جوانان هر دو روی سکه‌ی غرب را که تکنولوژی و انحطاط اخلاقی است ملاحظه نمایند تا در انتخاب الگوی جامع و راستین دچار اشتباه نشوند و از طرفی بدانند که حرکت به جلو، در گرو پشت کردن به سنت‌های اصیل نیست. ژاپن با حفظ همان لباس سنتی و خط باستانی خود، یکی از هفت کشور صنعتی دنیا شد، ولی ترکیه با وجود تغییر لباس و خط و سبک زندگی، خود هنوز برای عضویت در اتحادیه‌ی اروپا با مشکل مواجه است.

- شناخت زمان و زمانه: یکی از عواملی که به انسان کمک می‌کند تا در گرماگرم زندگی هویت خویش را فراموش نکند. شناخت زمان و زمانه است.



### نتیجه گیری

پرورش هویت ملی و دینی در دانش آموزان باید اساس فعالیت های تربیتی در مدارس تلقی شود. اگر نوجوانان و جوانان در مدرسه با تکیه بر میراث فرهنگی و تمدن کهن به خودباوری نائل شوند، می توانند در برخورد با مسائل، افرادی خلاق و متفکر باشند و در قرن حاضر، درست هنگامی که بهترین دنیای ممکن در اختیار آن هاست به بزرگ ترین پیروزی های عقلانی برسند.

### پیشنهاد

اگر می خواهیم در دنیای دیکتاتورها آلت دست، قرار نگیریم و مدارس ما مطابق مقاصد آن ها مرکز تبلیغاتشان نباشد، باید زمینه ی تفکر دانش آموزانمان را فراهم آوریم و آن ها را به پذیرش امور عادت ندهیم، بدیهی است که پرورش تفکر بر مبنای هویت ملی و مذهبی در دیگران مستلزم آن است که مجریان آن، نخست ماهیت هویت ملی و مذهبی و ارتباط آن با تفکر خلاق را درک کنند و سپس از چگونگی رشد آن در خود آگاه باشند تا بتوانند آن را به مخاطبان منتقل سازند و مراحل رشد آن را نظارت و ارزش یابی نمایند.

به هر حال، این یک حقیقت است که در دهکده ی جهانی امروز کسانی می توانند سالم و خلاق بمانند که به این خودباوری رسیده باشند. بر آموزش و پرورش و معلمان دلسوز و آگاه است که با برنامه ریزی، حرکتی معنادار و خلاق را از این مبدأ برای نیل به مقصدی روشن و مقدس شروع کنند تا به پیشرفت همه جانبه نائل شوند.

زینویس:

۱. علی اصغر احمدی، روان شناسی نوجوانان و جوانان، صص ۳۰-۲۸.
۲. صحیفه ی نور، ج ۹، ص ۹.
۳. مجله حدیث زندگی، ش، ص ۶۶.
۴. همان، ص ۳۷.
۵. نجمه سیاوش جمال فر، روان شناسی شخصیت، ص ۱۷.
۶. محمد تقی مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، ص ۹۷.
۷. محمدرضا شرفی، همان، ص ۱۵۵.
۸. ر. ک: محمدرضا حکیمی، همان، ص ۹۷.
۹. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۸۰.
۱۰. تحف العقول، ص ۳۵۶.
۱۱. غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۴۳۲.
۱۲. صحیفه ی نور، ج ۱۴، ص ۷۶.

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «شناخت آدمی از زمان خود، برای شناخت خود او کافی است.»<sup>۹</sup> این روایت میزان تأثیرگذاری شناخت زمان بر زندگی انسان را نشان می دهد. کسی که زمانش را بشناسد، تغییرات و پستی و بلندی آن را نیز می شناسد. از این رو، در تاریکی ها و تحولات گمراه نمی شود. امام صادق (ع) می فرماید: «کسی که زمانش را بشناسد، آماج اشتباهات قرار نمی گیرد.»<sup>۱۰</sup> امام علی (ع) می فرماید: «هرکس با زمان دشمنی کند، زمان وی را به خاک خواهد نشاند.»<sup>۱۱</sup> پس احساس انفعال و کهنتری به بهانه ی امروزی شدن، اصالت و هویت ملی و مذهبی را زیر پا گذاشتن است و راهکار مناسب برخورد با آن، دوران دیشی و ژرف نگری به مسائل است. مبارزه با حاکمیت سلطه گران: یکی از اهداف مهم سلطه گران در طول تاریخ، سلطه ی فرهنگی بر کشورها بوده و هست تا بدین وسیله هویت ملی آن ها را تضعیف کنند.

امام خمینی (ره) در این باره می گوید: «ما آن صدمه ای که از قدرت های بزرگ خوردیم، باید بگوییم که بالاترین صدمه، صدمه ی شخصیت بوده است. آن ها کوشش کردند که شخصیت ما را از ما بگیرند و به جای شخصیت ایرانی و اسلامی، یک شخصیت وابسته ی اروپایی، شرقی و غربی به جایش بگذارند.»<sup>۱۲</sup>